

رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین، خودپنداره و اضطراب مدرسه در دانش آموزان پسر عقب مانده ذهنی خفیف ۱۲ تا ۱۸ ساله شهر کرمانشاه*

*شهاب منصوری^۱، معصومه پورمحمدرضای تجریشی^۲، محمد طاهری^۱، سید محمود میرزمانی^۲، مسعود صالحی^۲

چکیده

هدف: هدف این مطالعه تعیین رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین و اضطراب مدرسه با توجه به متغیر خودپنداره در دانش آموزان پسر عقب مانده ذهنی خفیف ۱۲-۱۸ سال شهر کرمانشاه بود.

روش بررسی: روش نمونه‌گیری در این مطالعه همبستگی، به صورت تمام شمار بود. جمعیت مورد مطالعه شامل کلیه دانش آموزان پسر عقب مانده ذهنی خفیف ۱۲-۱۸ سال شهر کرمانشاه می‌شد. با توجه به ملاک‌های ورود و خروج آزمون خودپنداره بر روی ۱۲۵ دانش آموز اجرا شد، که بر اساس نمره آزمون، ۸۳ نفر انتخاب شده و آزمون شیوه‌های فرزندپروری توسط والدین آنها و آزمون اضطراب مدرسه توسط معلمین‌شان تکمیل شد. داده‌های حاصل با آزمون‌های آماری کلموگروف اسمیرنوف، همبستگی پیرسون و اسپیرمن و آزمون تحلیل کوواریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: شیوه فرزندپروری مقتدرانه پدر ($P=0/002$) و مادر ($P=0/001$) رابطه منفی معنادار با اضطراب مدرسه داشت؛ همچنین شیوه فرزندپروری مستبدانه پدر ($P=0/009$) و مادر ($P=0/020$) رابطه مثبت معناداری با اضطراب مدرسه نشان داد. ولی شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه پدر ($P=0/319$) و مادر ($P=0/452$) رابطه معناداری با اضطراب مدرسه نداشت و مشخص شد که خودپنداره تأثیر معناداری بر اضطراب مدرسه دانش آموزان عقب مانده ذهنی دارد ($P=0/004$).

نتیجه‌گیری: نتایج آزمون‌های آماری نشان داد شیوه‌های فرزندپروری والدین بر اضطراب مدرسه دانش آموز اثرگذارند، ولی خودپنداره در تعدیل اثر شیوه‌های فرزندپروری بر اضطراب مدرسه نقش مهمی دارد. به این معنا که دانش آموزانی که خودپنداره قوی دارند کمتر از دانش آموزانی که خودپنداره ضعیف دارند، اضطراب مدرسه را تجربه می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: شیوه‌های فرزندپروری، اضطراب مدرسه، خودپنداره، عقب ماندگی ذهنی

- ۱- کارشناس ارشد روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی
- ۲- دکترای روان‌شناسی، استادیار دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی
- ۳- دکترای روان‌شناسی، استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر
- ۴- دکترای آمار زیستی، استادیار دانشگاه علوم پزشکی تهران

دریافت مقاله: ۸۹/۷/۲۷

پذیرش مقاله: ۹۰/۱۱/۹

* آدرس نویسنده مسئول:

کرمانشاه شهرک معلم بلوار عطار

خیابان شاهد کوی دهم پلاک ۶

* تلفن: ۰۸۳۱-۴۲۶۰۷۳۱

* رایانامه: shahab.teh@gmail.com

• این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دانشجویی است.



مقدمه

دارند رفتارشان اجتماع پسندتر از کسانی است که خودپنداره آنها منفی است (۸).

خصوصیات والدین همانند خلق و خو، نشانه‌های اضطراب، الگو قرار دادن رفتارهای دلوپسی و شیوه‌های فرزندپروری والدین، در مشکلات اضطرابی کودک سهم دارند (۹). موریس و همکاران مشخص کرده‌اند که بین عوامل محیطی خانواده و تشویش کودکان رابطه وجود دارد. شواهد زیادی به طور آشکار در مورد والدینی که کودکان خود را طرد می‌کنند و باعث اضطراب و نگرانی آنها می‌شوند گزارش شده‌اند (۹). نتایج مطالعات و پژوهش‌ها نشان می‌دهد انواع اختلال‌های روانی از جمله اضطراب رو به افزایش است و روش‌های کنترل والدینی نیز در بروز آن نقش دارند (۱۰). همچنین نظریه‌های تکاملی اضطراب بیان کننده آن است که پذیرش کودکان توسط والدین، نوع کنترل و رفتارها و شیوه‌های تربیتی آنها با بروز علائم اضطراب در کودکان ارتباط دارد (۱۱). جو خانوادگی گرم و پذیرنده همچون سپری در مقابل آسیب‌های روانی از قبیل اضطراب و افسردگی، از فرد محافظت می‌کند و از طرفی جو نامطلوب خانوادگی و روابط سرد و سرکوب‌گرانه، با خودپنداره منفی و کاهش حرمت خود^۵ و افزایش اضطراب و بروز مشکلات رفتاری رابطه دارد (۱۲). بر طبق مطالعه‌ای که جینگ انجام داده است، مشخص شده خودپنداره پایین در دانش آموزان باعث افزایش اضطراب آنها می‌شود و اثر منفی را بر روی عملکرد تحصیلی آنها می‌گذارد (۱۳).

اضطرابی که در دوران تحصیل مشاهده می‌شود اکنون با عنوان اضطراب مدرسه شناخته می‌شود (۱۴). فیلیپس اضطراب مدرسه را یک واکنش منفی هیجانی می‌داند که در پاسخ به دو منبع تنش‌زای مدرسه یعنی تنیدگی‌های پیشرفت مانند امتحانات و موقعیت‌های رقابتی و تنیدگی‌های اجتماعی مانند تأیید یا طرد معلم بروز می‌نماید (۱۴). لاین هام، استریت، آبت، رابی برای اضطراب مدرسه دو سازه قائلند که شامل، اضطراب تعمیم یافته^۶ و اضطراب اجتماعی است (۱۵). اختلال اضطراب تعمیم یافته غالباً اضطراب وسیع و همه جانبه‌ای بدون احساس خطر آشکار است که گاهی اوقات تحت عنوان اضطراب مواج آزاد^۷ نامیده می‌شود (۱). اختلال اضطراب اجتماعی^۸ به ترس آشکار و پیوسته از موقعیت‌های اجتماعی یا عملکردی اشاره دارد و از این باور فرد ناشی می‌شود که او در این موقعیت‌ها به طرز خجالت‌آور یا تحقیرآمیزی عمل خواهد کرد (۱۶). پژوهشگران رابطه شیوه‌های فرزندپروری را با متغیرهایی همچون پیشرفت تحصیلی (۱۷)، عملکرد روانی اجتماعی (۱۸)، حرمت خود (۱۹)، خود کارآمدی^۹ (۶)،

خانواده اولین پایه‌گذار شخصیت، ارزش‌ها و معیارهای فکری فرد است که نقش مهمی در تعیین سرنوشت و سبک و خط مشی زندگی او در آینده دارد. خانواده‌ها نقش بسزایی در موفقیت و شکست تحصیلی فرزندان خود دارند (۱). تأثیر خانواده بر رشد چنان بارز است که با وجود اختلاف‌های موجود بین صاحب نظران روان‌شناسی، بسیاری از آنان در زمینه اهمیت خانواده و تأثیر آن بر رشد، نظر مشترکی دارند و اکثر روان‌شناسان صرف نظر از مکتبی که به آن معتقدند، کنش‌های متقابل بین والدین و فرزندان‌شان را اساس رشد عاطفی تلقی می‌کنند (۲). شیوه‌های فرزندپروری یکی از سازه‌های جهانی است که بیانگر روابط عاطفی و نحوه ارتباط کلی والدین با فرزندان است و عاملی مهم برای رشد و یادگیری کودکان به شمار می‌آید (۳).

شیوه‌های فرزندپروری عبارت است از مجموعه‌ای از رفتارهای به هم پیوسته که تعامل والد - کودک را روی طیف خاصی نشان می‌دهد و تعامل فراگیر را ایجاد می‌کند (۴). بامریند در دهه ۱۹۶۰ بین سه شیوه تربیتی یعنی شیوه‌های مستبدانه^۱، مقتدرانه^۲ و سهل‌گیرانه^۳ تمایز قایل شد. والدینی که از سبک تربیتی مقتدرانه استفاده می‌کنند از کودکان‌شان با عشق و عاطفه حمایت می‌کنند، به علاوه برای انجام رفتار مناسب و درست قوانین واضح و مشخص وجود دارد. والدینی که از شیوه فرزندپروری مستبدانه استفاده می‌کنند یک رویکرد تنبیهی را برای تربیت کردن اتخاذ می‌کنند که بیشتر شامل تهدید کردن، نکوهش کردن است و یک جانبه قوانین و دستورات را اعمال می‌کنند. همچنین والدینی که شیوه مستبدانه دارند معمولاً حمایت‌های عاطفی و مهرورزی را که خصوصیتی از شیوه فرزندپروری مقتدرانه محسوب می‌شود را برای کودکان‌شان فراهم نمی‌کنند. سرانجام والدینی که شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه دارند معمولاً دستورهای متناقضی را اعمال می‌کنند (۵).

به عقیده هیگینز^۴ (۱۹۸۹) شیوه‌های فرزندپروری والدین و به ویژه نوع ارتباط یا انسجام عاطفی میان اعضای خانواده از اساسی‌ترین عوامل مؤثر در شکل‌گیری ابعاد مختلف «خود» به حساب می‌آید. ادراک از خانواده به عنوان واحدی صمیمی و حمایت‌کننده، با برخی از جنبه‌های خودپنداره و برداشت مثبت از خود در دانش آموزان و سازگاری مثبت آنها با مدرسه، رابطه‌ای قوی دارد (۶). بیشتر صاحب نظران، بر خورداری از خودپنداره مثبت را به عنوان عامل اصلی و اساسی در سازگاری هیجانی اجتماعی افراد می‌دانند (۷). افرادی که خودپنداره مثبت

1- Authoritarian
6- Generalized

2- Authoritative
7- Free-floating anxiety

3- Permissive
8- Social anxiety disorder

4- Higin, C.
9- Self efficiency

5- Self esteem



مصرف مواد مخدر (۲۰)، اخلاقیات (۲۱)، شایستگی اجتماعی (۲۲)، یادگیری خود نظم داده شده (۲۳)، استدلال اخلاقی (۲۴) مورد بررسی قرار داده‌اند؛ علاوه بر آن که شیوه‌های فرزندپروری با خودپنداره (۲۵) و با سازه اضطراب (۲۶) مورد بررسی قرار گرفته است؛ همچنین رابطه خودپنداره با اضطراب (۲۷) و خودپنداره با اضطراب مدرسه (۲۸) در کودکان عادی مطالعه شده است. بنا بر تحقیقاتی که در بالا به آنها اشاره شد، مشخص شده که شیوه‌های فرزندپروری و خودپنداره با اضطراب رابطه دارد، بنابراین به نظر می‌رسد افرادی که از خودپنداره بالایی برخوردارند در مدرسه اضطراب کمتری نسبت به افرادی که دارای خودپنداره پایینی هستند، نشان دهند (۲۸).

با توجه به پیشینه پژوهشی، منطقی به نظر می‌رسد که در ارتباط بین شیوه‌های فرزندپروری و اضطراب مدرسه، متغیرهای واسطه‌ای نقش داشته باشند، یکی از این متغیرها، خودپنداره است. با توجه به اینکه تا زمان انجام این پژوهش، نقش واسطه‌ای خودپنداره در رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری و اضطراب مدرسه مورد بررسی قرار نگرفته است؛ هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی نقش تعدیل کننده خودپنداره در ارتباط بین شیوه‌های فرزندپروری و اضطراب مدرسه است. به علاوه، جمعیت مورد مطالعه در پژوهش‌هایی که ارتباط خطی بین شیوه‌های فرزندپروری و اضطراب را مورد بررسی قرار داده‌اند محدود به کودکان عادی بوده است، که در این مطالعه نمونه مورد مطالعه را کودکان عقب مانده ذهنی تشکیل می‌دهند؛ لذا محقق در این پژوهش به دنبال آن است که رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین و اضطراب مدرسه را با توجه به متغیر خودپنداره در دانش آموزان عقب مانده ذهنی خفیف مورد پژوهش قرار دهد.

روش بررسی

پژوهش حاضر یک مطالعه از نوع همبستگی بوده و جامعه آماری آن را کلیه دانش آموزان پسر عقب مانده ذهنی آموزش پذیر ۱۲ تا ۱۸ ساله مشغول به تحصیل شهر کرمانشاه در سال تحصیلی ۸۸-۸۷، همراه با والدین شان تشکیل می‌داد. برای نمونه‌گیری از روش تمام شماری استفاده شد. ابتدا ملاک‌های ورودی برای کل جامعه (۱۵۷ نفر) اعمال گردید، بدین طریق دانش آموزانی که والدین آنها بین ۳۰ تا ۵۵ سال سن داشته و حداقل تحصیلات آنها پنجم ابتدایی بود، وارد مطالعه شدند (۱۲۵ نفر). از این میان پس از اجرای پرسشنامه پرسشنامه خودپنداره پیرز - هاریس^۱، دانش آموزان با خودپنداره قوی (دانش آموزانی که در ۳۳٪ بالای

توزیع نمره‌ها قرار داشتند) و ضعیف (دانش آموزانی که در ۳۳٪ پایین توزیع نمره‌ها قرار داشتند) انتخاب شدند که تعداد آنها ۸۳ نفر بود.

برای جمع‌آوری داده‌های مربوط به اضطراب مدرسه از پرسشنامه اضطراب مدرسه (لاین هام، استریت^۲، آبوت^۳، رابی^۴، ۲۰۰۸) استفاده شد. این پرسشنامه شامل ۱۶ سؤال و دو خرده مقیاس اضطراب اجتماعی و اضطراب تعمیم یافته است، (۹ سؤال اضطراب اجتماعی، ۷ سؤال اضطراب تعمیم یافته)، نمره احتمالی دانش آموزان بین صفر تا ۴۸ متغیر است. روایی این پرسشنامه با استفاده از روایی افتراقی و همگرا ۰/۷۶؛ و سنجش پایایی برای نمره کل اضطراب ۰/۹۳ گزارش شده است (۳۰). منصوری (۳۱) نیز پایایی این مقیاس را با استفاده از باز آزمایی ۰/۸۲ و به وسیله آلفای کرونباخ همسانی درونی ۰/۸۰ را به دست آورد.

داده‌های مربوط به شیوه‌های فرزندپروری به وسیله پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند (۱۹۷۳) جمع‌آوری شد. این پرسشنامه شامل ۳۰ ماده است که هر ۱۰ ماده برای یکی از شیوه‌های سهل گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه در نظر گرفته شده است. در مقابل هر عبارت، ۵ ستون با عنوان کاملاً مخالفم، مخالفم، تقریباً مخالفم، موافقم و کاملاً موافقم قرار دارد که به ترتیب از صفر تا ۴ نمره‌گذاری می‌شوند. روایی این پرسشنامه با استفاده از روش روایی افتراقی به دست آمده و ضریب پایایی این پرسشنامه با روش باز آزمایی (مادران: ۰/۸۱ شیوه سهل گیرانه، ۰/۸۶ شیوه مستبدانه و ۰/۷۸ شیوه مقتدرانه؛ پدران: ۰/۷۷ شیوه سهل گیرانه، ۰/۷۷ شیوه مستبدانه و ۰/۸۵ شیوه مقتدرانه ۰/۹۲) گزارش شده است (۳۱).

و بالاخره از پرسشنامه خودپنداره پیرز - هاریس (۱۹۶۹) برای جمع‌آوری داده‌های مربوط به خودپنداره دانش آموزان عقب مانده ذهنی خفیف بهره گرفته شد. این پرسشنامه شامل ۸۰ سؤال است و برای سنجش خودپنداره دانش آموزان دوره راهنمایی دختر و پسر شهر مشهد هنجاریابی شده است. هر عبارت پرسشنامه به صورت دو بخش «بلی» یا «خیر» طراحی شده و اگر دانش آموز پاسخ «بلی» را علامت بزند یک نمره و اگر پاسخ «خیر» را علامت بزند نمره صفر می‌گیرد. حداکثر نمرات ۸۰ و حداقل صفر است؛ روایی این پرسشنامه با استفاده از روش روایی ملاکی هم‌زمان به دست آمده و برای سنجش پایایی از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۰ و همچنین از خطای استاندارد ۳/۷۰ استفاده شده است (۳۲). پایایی آزمون فوق در پژوهش حاضر با استفاده از باز آزمایی ۰/۶۰ و با آلفای کرونباخ برای بررسی

1- Piers, J.

2- Harris, A.

3- Street, A.

4- Abbott, M.

5- Rapee, R.



۸۳ نفر بود. در ادامه پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند (۱۹۷۳) توسط والدین دانش‌آموزان تکمیل شد؛ همچنین برای ارزیابی اضطراب مدرسه دانش‌آموزان از پرسشنامه اضطراب مدرسه فرم معلم لاین هام و همکاران (۲۰۰۸) که توسط معلمین این دانش‌آموزان تکمیل شد، استفاده به عمل آمد (۹). داده‌ها با استفاده از آزمون‌های آماری کلموگروف-اسمیرنوف، همبستگی پیرسون و اسپیرمن و تحلیل کوواریانس با از طریق نرم‌افزار آماری SPSS تحلیل شد.

یافته‌ها

برای بررسی نقش واسطه‌ای خودپنداره مثبت (قوی) در ارتباط با شیوه‌های فرزندپروری و اضطراب مدرسه از آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون، ضریب همبستگی جزئی و تحلیل کوواریانس استفاده شد، که نتایج آن در جدول ۱ ارائه گردیده است.

جدول ۱- همبستگی شیوه‌های فرزندپروری والدین و اضطراب مدرسه

متغیر	آزمون پیرسون		آزمون همبستگی جزئی (با کنترل خودپنداره)	
	ضریب همبستگی	مقدار احتمال	ضریب همبستگی	مقدار احتمال
شیوه مقتدرانه پدر	-۰/۳۴	۰/۰۰۲	-۰/۲۴	۰/۰۳۴
شیوه مستبدانه پدر	۰/۲۸	۰/۰۰۹	۰/۲۸	۰/۰۱۱
شیوه سهل گیرانه پدر	۰/۱۱	۰/۳۱۹	۰/۱۳	۰/۲۴۸
شیوه مقتدرانه مادر	-۰/۳۵	۰/۰۰۱	۰/۱۶	۰/۱۴۲
شیوه مستبدانه مادر	۰/۲۵	۰/۰۲۰	۰/۱۶	۰/۱۵۱
شیوه سهل گیرانه مادر	۰/۰۱	۰/۴۵۲	۰/۱۲	۰/۲۷۷

پدر رابطه مثبت معنادار با اضطراب مدرسه دارد ($P=0/011$). اما در مورد مادر، پس از کنترل متغیر خودپنداره رابطه معناداری بین شیوه فرزندپروری مستبدانه مادر با اضطراب مدرسه مشاهده نشد ($P=0/151$). شیوه فرزندپروری سهل گیرانه پدر ($P=0/319$) و مادر ($P=0/452$) رابطه معناداری با اضطراب مدرسه ندارند. برای بررسی دقیق‌تر نقش واسطه‌ای خودپنداره مثبت (قوی) در ارتباط با شیوه‌های فرزندپروری و اضطراب مدرسه، از آزمون آماری کوواریانس استفاده گردید. البته به جای استفاده از نمرات پیوسته شیوه فرزندپروری، از شیوه فرزندپروری غالب والدین (نمرات گسسته) استفاده شد، که یافته‌ها در جدول ۲ ارائه گردیده است.

همسانی درونی ۰/۸۴ گزارش شده است (۳۱). به منظور رعایت ملاحظات اخلاقی در ابتدای پژوهش به کلیه شرکت‌کنندگان در تحقیق (دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی خفیف، والدین و معلمان آن‌ها) در خصوص محرمانه بودن پاسخ‌ها اطمینان داده شد و اختیاری بودن شرکت در مطالعه اعلام گردید. پس از امضای فرم رضایت‌نامه کتبی توسط آنها برای شرکت در پژوهش، اهداف مطالعه و روش اجرای مصاحبه و نحوه پاسخگویی به پرسشنامه‌ها ارائه گردید. سپس به منظور انتخاب دانش‌آموزان با خودپنداره قوی و ضعیف بر اساس نمره آزمون خودپنداره، پرسشنامه خودپنداره بر روی تمامی این دانش‌آموزان به صورت انفرادی توسط محقق اجرا گردید، پس از نمره گذاری پاسخنامه‌ها، دانش‌آموزانی که نمره‌های بالا (33%) بالای توزیع نمره‌ها) و دانش‌آموزانی که نمره‌های پایین (33%) پایین توزیع نمره‌ها) را به دست آورده بودند، انتخاب شدند که تعداد آنها

با توجه به جدول ۱، مشاهده می‌شود که شیوه فرزندپروری مقتدرانه پدر ($P=0/002$) و مادر ($P=0/001$) رابطه منفی معنادار با اضطراب مدرسه دارند. پس از کنترل متغیر خودپنداره ضرایب همبستگی این دو متغیر کاهش یافت، ولی همچنان ضریب همبستگی شیوه فرزندپروری مقتدرانه پدر رابطه منفی معنادار با اضطراب مدرسه داشت ($P=0/034$). گرچه پس از کنترل متغیر خودپنداره رابطه معناداری بین شیوه فرزندپروری مقتدرانه مادر با اضطراب مدرسه مشاهده نشد ($P=0/142$)، اما شیوه فرزندپروری مستبدانه پدر ($P=0/009$) و مادر ($P=0/020$) رابطه مثبت معنادار با اضطراب مدرسه دارند؛ و مشخص شد که پس از کنترل متغیر خودپنداره همچنان شیوه فرزندپروری مستبدانه



جدول ۲- نتایج آزمون تحلیل کوواریانس

منبع تأثیر	F	مقدار احتمال	اندازه اثر
خودپنداره	۸/۷۸	۰/۰۰۴	۰/۱۰۷
شیوه فرزندپروری پدر (مقتدرانه و مستبدانه)	۰/۰۴	۰/۸۳۱	۰/۰۰۱
شیوه فرزندپروری مادر (مقتدرانه و مستبدانه)	۰/۱۲	۰/۷۲۷	۰/۰۰۲
شیوه فرزندپروری پدر*مادر	۰/۷۸	۰/۳۷۷	۰/۰۱۱

برای بررسی ارتباط شیوه‌های فرزندپروری مستبدانه، مقتدرانه و سهل‌گیرانه با اضطراب مدرسه دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی خفیف از آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون و ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد (با توجه به غیر نرمال بودن توزیع نمرات متغیر اضطراب تعمیم یافته، برای بررسی رابطه این خرده‌مقیاس با شیوه فرزندپروری مستبدانه از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد)، که یافته‌ها در جداول ۳ تا ۵ ارائه شده است.

باتوجه به مقادیر احتمال گزارش شده در جدول ۲، مشاهده می‌شود که خودپنداره تأثیر معناداری بر اضطراب مدرسه دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی دارد ($P=0/004$). ولی شیوه فرزندپروری پدر ($P=0/831$)، مادر ($P=0/727$) و تعامل آنها ($P=0/377$) تأثیر معناداری بر اضطراب مدرسه دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی ندارد. در بین منابع تأثیر بزرگ‌ترین اندازه اثر مربوط به خودپنداره است ($\beta=0/107$).

جدول ۳- همبستگی شیوه فرزندپروری مستبدانه والدین و اضطراب مدرسه

متغیر	شیوه مستبدانه پدر		شیوه مستبدانه مادر	
	ضریب همبستگی	مقدار احتمال	ضریب همبستگی	مقدار احتمال
اضطراب مدرسه	۰/۲۸	۰/۰۰۹	۰/۲۵	۰/۰۲۰
اضطراب تعمیم یافته	-	-	-	۰/۱۷
اضطراب اجتماعی	۰/۱۲	۰/۲۶۱	۰/۱۸	۰/۰۹۴

با وجود اینکه شیوه‌های فرزندپروری والدین با اضطراب مدرسه دانش‌آموزان رابطه مثبت معنادار دارد؛ خرده‌مقیاس اضطراب تعمیم یافته نیز با شیوه فرزندپروری مستبدانه پدر رابطه مثبت معنادار داشته ولی با شیوه فرزندپروری مستبدانه مادر رابطه معناداری ندارد. نهایتاً خرده‌مقیاس اضطراب اجتماعی با شیوه فرزندپروری مستبدانه هیچ‌یک از والدین رابطه معناداری ندارند. باتوجه به مقادیر احتمال گزارش شده در جدول ۴، مشاهده می‌شود که اضطراب مدرسه با شیوه فرزندپروری مقتدرانه پدر و مادر رابطه منفی معنادار دارد، خرده‌مقیاس اضطراب تعمیم یافته نیز با شیوه فرزندپروری مقتدرانه پدر و مادر رابطه منفی معنادار دارد، همچنین خرده‌مقیاس اضطراب اجتماعی نیز با شیوه فرزندپروری مقتدرانه پدر و مادر رابطه منفی معنادار نشان می‌دهد. باتوجه به مقادیر احتمال گزارش شده در جدول ۵، مشاهده می‌شود که هیچ رابطه معناداری بین اضطراب مدرسه، تعمیم‌یافته و اجتماعی با شیوه سهل‌گیرانه پدر و مادر وجود ندارد.

باتوجه به مقادیر احتمال گزارش شده در جدول ۳، مشاهده می‌شود که اضطراب مدرسه با شیوه فرزندپروری مستبدانه پدر و مادر رابطه مثبت معنادار دارد؛ خرده‌مقیاس اضطراب تعمیم یافته نیز با شیوه فرزندپروری مستبدانه پدر رابطه مثبت معنادار داشته ولی با شیوه فرزندپروری مستبدانه مادر رابطه معناداری ندارد. نهایتاً خرده‌مقیاس اضطراب اجتماعی با شیوه فرزندپروری مستبدانه هیچ‌یک از والدین رابطه معناداری ندارند.

باتوجه به مقادیر احتمال گزارش شده در جدول ۴، مشاهده می‌شود که اضطراب مدرسه با شیوه فرزندپروری مقتدرانه پدر و مادر رابطه منفی معنادار دارد، خرده‌مقیاس اضطراب تعمیم یافته نیز با شیوه فرزندپروری مقتدرانه پدر و مادر رابطه منفی معنادار دارد، همچنین خرده‌مقیاس اضطراب اجتماعی نیز با شیوه فرزندپروری مقتدرانه پدر و مادر رابطه منفی معنادار نشان می‌دهد.

باتوجه به مقادیر احتمال گزارش شده در جدول ۵، مشاهده می‌شود که هیچ رابطه معناداری بین اضطراب مدرسه، تعمیم‌یافته و اجتماعی با شیوه سهل‌گیرانه پدر و مادر وجود ندارد.



جدول ۴- همبستگی شیوه فرزندپروری مقتدرانه والدین و اضطراب مدرسه

متغیر	شیوه مقتدرانه پدر		شیوه مقتدرانه مادر	
	آزمون پیرسون	آزمون اسپیرمن	آزمون پیرسون	آزمون اسپیرمن
	مقدار ضریب	مقدار ضریب	مقدار ضریب	مقدار ضریب
	احتمال همبستگی	احتمال همبستگی	احتمال همبستگی	احتمال همبستگی
اضطراب مدرسه	۰/۰۳۴	-	۰/۰۰۱	-۰/۳۵
اضطراب تعمیم یافته	-	-۰/۳۴	-	-
اضطراب اجتماعی	-۰/۲۴	-	۰/۰۲۱	-۰/۲۵

جدول ۵- همبستگی شیوه فرزندپروری سهل گیرانه والدین و اضطراب مدرسه

متغیر	شیوه سهل گیرانه پدر		شیوه سهل گیرانه مادر	
	آزمون پیرسون	آزمون اسپیرمن	آزمون پیرسون	آزمون اسپیرمن
	مقدار ضریب	مقدار ضریب	مقدار ضریب	مقدار ضریب
	احتمال همبستگی	احتمال همبستگی	احتمال همبستگی	احتمال همبستگی
اضطراب مدرسه	۰/۱۱	-	۰/۴۵۲	۰/۰۸
اضطراب تعمیم یافته	-	۰/۰۲	-	-
اضطراب اجتماعی	۰/۱۸	-	۰/۱۸۰	۰/۱۵

همچنین نتایج نشان داد شیوه فرزندپروری مستبدانه با اضطراب مدرسه دانش آموزان عقب مانده ذهنی خفیف رابطه دارد. در پژوهش‌های لایند هوت، مارکوس و بور (۳۵)، برون و وایت ساید (۹)، ترگاونکار و وادکار (۳۶)، ولف رادت و همپیل و میلیس (۳۷) و کریمی، تقوی، مهران و قلجایی (۳۴) مشخص شده است که شیوه فرزندپروری مستبدانه با اضطراب عمومی رابطه مثبت دارد. بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده تأیید می‌شود، کودکانی که والدین آنها از شیوه فرزندپروری مستبدانه استفاده می‌کنند به دلیل ویژگی‌های این شیوه همچون اتخاذ رویکرد تنبیهی توسط والدین که بیشتر شامل تهدید کردن و نکوهش کردن و اعمال یک جانبه قوانین و دستورات و ... (۵) اضطراب زیادی را در مدرسه تجربه می‌نمایند (۴).

همچنین نتایج نشان داد شیوه فرزندپروری مقتدرانه با اضطراب مدرسه دانش آموزان عقب مانده ذهنی خفیف رابطه دارد. در پژوهش‌های لایند هوت، مارکوس و بور (۳۵)، ترگاونکار و وادکار (۳۶)، ولف رادت و همپیل و میلیس (۳۷) و کریمی، تقوی، مهران و قلجایی (۳۴) مشخص شد که شیوه فرزندپروری مقتدرانه با اضطراب عمومی رابطه منفی دارد. با توجه به نتایج به دست آمده مشخص شد کودکانی که والدین آنها از شیوه فرزندپروری مقتدرانه استفاده می‌کنند به دلیل ویژگی‌های این شیوه همچون این که والدین تمایل دارند قوانین را همواره با فرزندان خود روشن و تبیین کنند و کمتر بر فرمانبرداری مطلق و

فرزندپروری با اضطراب رابطه دارد. علاوه بر این، عده‌ای از پژوهشگران نیز نشان داده‌اند که خودپنداره با اضطراب مدرسه رابطه دارد (۲۸).

نتایج پژوهش کریمی، تقوی، مهران و قلجایی (۳۵) ارتباط معناداری بین نوع کنترل والدینی و اضطراب را نشان داد. بیشترین میزان اضطراب در نوجوانانی وجود داشت که رفتار والدین خود را مستبدانه ارزیابی کرده بودند و کمترین میزان آن در نوجوانانی بود که والدین مقتدر داشتند (۱۰). در پژوهش سلطانی (۲۸) مشخص شد که بین خودپنداره و اضطراب مدرسه دانش آموزان رابطه منفی وجود دارد. همچنین یک رابطه منفی بین خودپنداره و اضطراب مدرسه مشاهده کردند و دریافتند که دختران اضطراب مدرسه بیشتری نسبت به پسران دارند (۲۸).

همان گونه که نتایج آزمون تحلیل کوواریانس نشان داد تنها خودپنداره، اثر معناداری بر اضطراب مدرسه دانش آموزان عقب مانده ذهنی دارد در صورتی که اثر شیوه‌های فرزندپروری والدین معنادار نبود. این مطلب نظر حکمتی کار در خصوص اینکه دانش آموزانی که از خودپنداره بالایی برخوردارند در مدرسه اضطراب کمتری نسبت به دانش آموزانی که دارای خودپنداره پایینی هستند، نشان می‌دهند (۳۱) را تأیید می‌کند. همچنین با یافته‌های مطالعه جینگ (۱۳) که طی آن مشخص شد، که خودپنداره پایین باعث افزایش اضطراب دانش آموزان و دارای تأثیر منفی را بر عملکرد تحصیلی آنهاست، همسو است.



در پژوهش‌های آینده به مقایسه موضوع پژوهش با گروه‌های دیگر کودکان استثنایی مثل نابینایان، ناشنویان و بیش فعالان اقدام شود. همچنین به بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری و اضطراب مدرسه با توجه به متغیر خودپنداره کودکان دختر عقب مانده ذهنی خفیف نیز مبادرت شود. در نهایت انجام پژوهشی گسترده با همین عنوان در سطوح مختلف تحصیلی و سنی با در نظر گرفتن ترتیب تولد کودکان صورت گیرد.

نتیجه‌گیری

با وجود اینکه شیوه‌های فرزندپروری والدین با اضطراب مدرسه دانش آموز رابطه معنادار داشتند، اما پس از کنترل خودپنداره، مشخص شد که خودپنداره در رابطه میان شیوه‌های فرزندپروری و اضطراب مدرسه نقش واسطه‌ای دارد. پس از تحلیل کوواریانس مشاهده شد که تنها خودپنداره اثر معناداری بر اضطراب مدرسه دانش آموزان عقب مانده ذهنی دارد، در صورتی که اثر شیوه‌های فرزندپروری والدین معنادار نبوده است.

مطابق یافته‌های تحقیق، کودکان عقب مانده ذهنی که والدین آنها از شیوه فرزندپروری مستبدانه استفاده می‌کنند به دلیل ویژگی‌های این شیوه اضطراب زیادی را در مدرسه تجربه می‌نمایند. در مقابل کودکانی که والدین آنها از شیوه فرزندپروری مقتدرانه استفاده می‌کنند اضطراب مدرسه خیلی کمی را تجربه می‌کنند. همچنین نتایج نشان داد که شیوه فرزندپروری سهل گیرانه با اضطراب مدرسه دانش آموزان عقب مانده ذهنی خفیف رابطه دارد.

تقدیر و تشکر

نویسندگان بدین وسیله مراتب قدرانی خود را از پژوهشکده کودکان استثنایی تهران اعلام می‌دارند. همچنین از دانش آموزان پسر عقب مانده ذهنی دوره راهنمایی شهر کرمانشاه، والدین و معلمان آنها که در این پژوهش شرکت نمودند قدر دانی می‌شود. این پژوهش با استفاده از بودجه تحقیقاتی پژوهشکده کودکان استثنایی میسر گردید.

منابع

1. Chandola A, Bhanot S. Role of parenting style in adjustment of high school children. *Journal of Human*. 2008; 24(1): 27-30.
2. Coplan RJ, Reichel M, Rowan K. Exploring the associations between maternal personality, child temperament, and parenting: A focus emotions. *Personality and Individual Differences*. 2009; 46: 241-246.
3. Emerson E. Prevalence of psychiatric disorders in children and adolescents with and without intellectual disability. *J Intellect Disabil Res*. 2003; 47(1): 51-8.
4. Alizadeh H, Andries C. [Interaction of parenting styles and family (Persian)]. *Journal Of Behavior Therapy*. 2002; 24: 32-52.

صرف تأکید دارند و فرزندان‌شان را به خود مختاری، پاسخگویی زیاد، صمیمیت و برقراری ارتباط آزادانه تشویق می‌کنند، اضطراب مدرسه خیلی کمی را تجربه می‌کنند (۴).

همچنین نتایج نشان داد شیوه فرزندپروری سهل گیرانه با اضطراب مدرسه دانش آموزان عقب مانده ذهنی خفیف رابطه دارد. والدین سهل گیر، کمتر از کنترل آشکار و واضح بر رفتار فرزندان‌شان استفاده می‌کنند، حداقل تلاش را برای تربیت فرزندان خود به کار گرفته و اجازه می‌دهند فرزندان، خود به تنهایی تصمیم بگیرند. این والدین از سخت‌گیری پایین، حداقل انتظارات، پاسخگویی و صمیمیت زیاد برخوردارند (۴).

با توجه به اینکه جامعه مورد مطالعه این تحقیق را کودکان عقب مانده ذهنی تشکیل می‌دهد و این کودکان تفاوت‌های شناختی و شخصیتی با کودکان عادی دارند، ممکن است که این تفاوت‌ها دلیلی برای ناهمسوئی مشاهده شده باشد (۳۱). همچنین برای توجیه برخی ناهماهنگی‌ها با سایر تحقیقات، باید بین اضطرابی که منبع آن نامشخص است (اضطراب عمومی) و اضطرابی که به دلیل مشکلات محیط خانواده و محیط مدرسه (همکلاسی‌ها، معلمان و درس‌ها) به وجود می‌آید تمایز قایل شد. علاوه بر این ممکن است به کارگیری شیوه فرزندپروری سهل گیرانه - که دارای ویژگی‌های همچون بی‌توجهی و کنترل کم بر رفتار فرزندان و تلاش حداقلی برای تربیت فرزندان و ... هستند- منجر به عدم توجه به پیشرفت تحصیلی کودک و کم اهمیت جلوه دادن درس خواندن کودک شود و کودکان این والدین اضطرابی را از جانب خانواده برای موفقیت تحصیلی احساس نکنند (۴).

از محدودیت‌های پژوهش حاضر که پژوهشگران با آن مواجه بودند، می‌توان به محدود بودن جامعه پژوهش به حیطه سنی ۱۲ تا ۱۸ سال دانش آموزان عقب مانده ذهنی شهر کرمانشاه، محدود بودن نمونه پژوهش به والدین دارای کودک عقب مانده ذهنی و عدم تعمیم‌پذیری آن به والدین سایر کودکان استثنایی و همچنین محدود بودن جامعه پژوهشی به جنس پسر اشاره کرد که تعمیم‌پذیری نتایج این مطالعه را به سایر گروه‌ها و نیز دختران تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این رو پیشنهاد می‌شود که

5. Dehart T, Pelham BW, Tennen H. What lies beneath: Parenting style and implicit self-esteem?. *J Exp Soc Psychol*. 2006; 42: 1-17.
6. Yousefi F. [Parents, parenting styles associated with social skills and self-concept aspects of high school students (Persian)]. *Journal of Science - Research Scholar Behavior*. 2007; 22: 46-37.
7. Biabangard, A. [Methods of increasing self-esteem in children and adolescents (Persian)]. Tehran: Press Association and parents; 1994, pp: 55-62.
8. Pato M. [Relationship between self concept and attitudes of married students, graduate courses Tarbiat Modarres University in marriage



- than love (Persian)]. Thesis for master of science. Shahid Beheshti University; 2002, pp: 45-49.
9. Brown AM, Whiteside SP. Relations among perceived parental rearing behaviors, attachment style, and worry in anxious children. *J Anxiety Disord.* 2008; 22(2): 263-72.
10. Fremont WP. School refusal in children and adolescents. *Journal American family physician.* 2003; 68(8): 1555-1561.
11. Wood JJ, McLeod BD, Sigman M, Hwang WC, Chu BC. Parenting and childhood anxiety: Theory, empirical finding and future direction. *J Child Psychol Psychiatry.* 2003; 44(1): 134-51.
12. Hosseinchary M, Delavrpour M, Dehqani Y. [The role of parents in parenting practices shyness high school students (Persian)]. *Two Iranian Journal of Psychology Association.* 2007; 2: 94-63.
13. Jing HE. Analysis on the Relationship among Test Anxiety, Self-concept and Academic Competency. Wuhan University; research field: applied Linguistics. 2007; 1: 48-51.
14. Hadson GL, Rapee RM. Parent-Child interaction and anxiety disorders: an observational study. *Behav Res Ther.* 2001; 39(12): 1411-27.
15. Lyneham HJ, Street AK, Abbott MJ, Rapee RM. Psychometric properties of the school anxiety scale—Teacher report (SAS-TR). *J Anxiety Disord.* 2008; 22(2): 292-300.
16. Rheingold AA, Herbert JD, Franklin ME. Cognitive bias in adolescents with social anxiety disorder. *Cognitive Therapy and Research.* 2003; 27(6):639-655.
17. Steinberg L, Elmen JD, Mounts NS. Authoritative parenting. Psychosocial maturity, and academic success among adolescents. *Child Dev.* 1989; 60(6): 1424-36.
18. Dehart T, Pelham BW, Tennen H. What lies beneath: Parenting style and implicit self- esteem?. *J Exp Soc Psychol.* 2006; 42(1): 1-17.
19. BOYES MC, ALLEN SG. Styles of parent-child interaction and moral reasoning in adolescence. *Merrill-Palmer Quarterly.* 1993; 39(4): 551-570.
20. Kim H, Chung RH. Relationship of recalled parenting style to self-perception in Korean American College students. *J Genet Psychol.* 2003; 164(4): 481-92.
21. Baumrind D. Parental disciplinary patterns and social competence in children. *Youth and Society.* 1978; 9(3): 239-276.
22. Huang J, Prochner L. Chinese parenting styles and children's self-regulated learning. *Journal of Research in Childhood Education.* 2004; 18(3): 227-238.
23. Walker LJ, Hennig KH. Parenting style and the development of moral reasoning. *Journal of Moral Education.* 1999; 28(3): 359-374.
24. Parish TS, McCluskey JJ. Parenting Styles, Young Adults' Self-Concepts, and Evaluations of Parents. *School Community Journal.* 1993; 3(2): 85-88.
25. Vignoli E, Belz SC, Chapeland V, Fillips A, Garcia M. Relationship between test anxiety and parenting style. *Journal of Vocational Behavior* 2005; 67: 153-168.
26. Roebbers CM, Schneider W. Self-concept and anxiety in immigrant children. *International Journal of Behavioral Development.* 1999; 23(1): 125-147.
27. Soltani D. [Relationship between self concept and anxiety in adolescent school (Persian)]. Thesis for Master of Science. Tehran. Allameh Tabatabaei University; 1995, pp: 77-87.
28. Hooman H. [Understanding scientific methods in behavioral sciences (Persian)]. Tehran, publisher side; 2007, pp: 259-60.
29. Mansuori SH. [Relationship between parental anxiety and parenting practices on schools mentally retarded boys 12 to 18 years of education achieved in Kermanshah (Persian)]. Thesis for Master of Science. Tehran. Welfare and Rehabilitation Sciences University; 2009, pp: 20-27.
30. . Ahmadi Hekmati kar H. [Troubleshooting normal self test Pierz - Harris male and female students in middle school in Mashhad (Persian)]. Thesis for Master of Science. Tehran. Allameh Tabatabaei University; 1993, pp: 36-41.
31. Gerami M. [The role of parenting practices on self and social maturity of children in the city of Jask (Persian)]. Thesis for Master of Science. Tehran. Shahid Beheshti University; 2008, pp: 31-40.
32. Chenari M. [Relationship between parental educational attitudes and self concept of children (Persian)]. Thesis for Master of Science. Tehran. Tehran University; 1995, pp: 50-55.
33. Karimi R, Taghavi Larijani D, Abbas M, Ghaljahi F. Relationship between anxieties, students with parental control type. *Life Magazine,* 2005; 3 and 4: 88-83.
34. Lindhout IE, Markus MT, Hoogendijk TH, Boer F. Temperament and parental child rearing style: unique contribution to clinical anxiety disorders in childhood *Eur Child Adolesc Psychiatry.* 2009; 18(7): 439-46.
35. Tergaonkar NR, Wadkar AJ. Relationship between test anxiety and parenting style. *Journal Indian Association Child Adolescent Mental Health.* 2007; 2(4): 10-12.
36. Wolfradt UWE, Hempel S, Miles JNV. Perceived parenting styles, depersonalization, anxiety and coping behavior in adolescents. *Personality and Individual Differences.* 2003; 34(3): 521-532.

The Relation between Parental Anxiety and Parenting Practices in 12-18 years old Male Students with Mild Mental Retardation

*Mansouri Sh. (M.Sc.)¹; Pourmohamadrezatajrish M.(Ph.D.)²; Taheri M. (M.Sc.)¹;
Mirzamani M.(Ph.D.)³; Salehi M.(Ph.D.)⁴; Zarei E (M.Sc.)¹*

Received: 19/10/2010
Accepted: 29/1/2012

*1-M.Sc. Of exceptional children
Psychology, University of Social
Welfare & Rehabilitation Sciences,
Tehran, Iran*

*2- PhD in Psychology, Assistant
Professor, University of Social
Welfare and Rehabilitation Sciences
Tehran*

*3-Ph.D. Of Psychology, Professor
of University of eslami azad,
eslamshahr, Iran*

*4-Ph.D. Of Biostatistics, Assistant
Professor of Iran University of
Medical Sciences, Tehran, Iran*

***Correspondent Author Address:**
West Branch 5 Class Building
Narges 4 Eghbal 5 Ferdus Amir
Kabir Babol Mazandaran.

***Tel:** +98 111 3237460

***E-mail:** shahab.teh@gmail.com

Abstract

Objective: The purpose of this study was to determine the relation between parents' child bearing methods parents and school anxiety, regarding to the self concept as a variable, especially in mentally retarded school students.

Methods: The study Population included all known-available educable mentally retarded students, aged 12-18 years, in Kermanshah. The other entry criteria for the above-mentioned population was the parents age between 30-55 years and having at least 5-year elementary education. After applying these criteria, 125 students remained and enrolled in the study. The self concept test was conducted on 125 students selected out of total 157. Then, parents' child rearing methods and students school anxiety level were measured (the teachers filled the school anxiety Form).

The obtained Data underwent analyses of statistical tests, including Kolmogorov- Smirnov, pearson and spearman correlation (to examine the relation between variables) and covariance analyses test.

Results: The results showed that the authoritative child rearing methods are in significant negative relation with school anxiety. (P=0.002 for Fathers and 0/001 for mothers). . The authoritarian child rearing methods a significant positive relation with school anxiety (P=0/009 for father and P=0/020 mother). In addition, permissive child rearing had not any correlation with school anxiety, but self-concept's relation with mentally retarded students school anxiety was positive (P=0/004).

Key words: Child rearing methods, School anxiety, Self concept, Mental retardation